

دو خطابه - در انجمن روابط ایران و امریکا

انجمن روابط ایران و امریکا که در تحت توجهات عالیه حضرت اشرف رئیس الوزراء و ریاست افتخاری جناب وزیر مختار امریکا در طهران و هیئت مدیره مرکب از مهمترین رجال وطن پرست ایران تشکیل شده - است ؛ «بسط روابط و ایجاد الفت فیما بین ملتین ایران و امریکا وسیعی در شناساندن حیات اجتماعی - ادبی - صنعتی - تجارتي - علمی - اقتصادی - تربیتی امریکا با ایران و توسعه روابط بین اهالی دو مملکت» را وجهه همت ساخته . چندی قبل که دو نفر از اساتید دانشمند امریکائی بطهران آمده بودند موقع را غنیمت شمرده و ایشانرا با داء خطابه ای در موضوعات تربیتی برای علاقه مندان بموضوع در عمارت وزارت معارف دعوت نمودند وزارت معارف نیز بنوبت خود این پیش آمد را بحسن قبول تلقی نمود . روز چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۰۴ ساعت شش و نیم بعد از ظهر در فضای عمارت مسعودیه مجلس باشکوهی تشکیل گردید . ابتداء حضرت آقای میرزا محمدعلیخان فروغی وزیر محترم مالیه و رئیس هیئت مدیره انجمن پرفسور البرت لیبیر (۱) معلم تاریخ در او نیورستیه ایلی نویز و پرفسور ادوارد نیکلای (۲) صاحب منصب فاکولته صنایع و علوم و تجارت در

(۱) Profesaor Albert Howe Lybyer:

Professor of History in the University of Illinois
 Writer of Current history in the Near East for *The Current History Magazine*.

(۲) Professor Edward F. Nickoley:

Dean of the Faculty of Arts and Sciences and Commerce,
 Director of the School of Commerce, The American University of Beirut.

اونیورسیته امریکائی بیروت را معرفی و ضمناً مقاصد و آمال انجمن روابط ایران و امریکا را برای آقایان حضار بیان فرمودند سپس دانشمندان معظمه خطابه های خود را بزبان انگلیسی ایراد و در هر نوبت آقای میرزا یانس مرتجلا بفارسی ترجمه کردند.

کمال ارتباط موضوع خطابه ها با امر تربیت و تعلیم و حسن تأثیری که در مستمعین نمود ما را بر آن داشت که ترجمه آنرا بطور خلاصه در این مجله درج نمایم.

علی اصغر حکمت

مدارس عالیہ (۱)

طرز زندگانی در امریکا

خلاصه نطق پرفسور البرت . م . لایبر

ترجمه آقای میرزا احمدخان اردشیر معلم انگلیسی دارالفنون

اولا بنده با نهایت افتخار مقصد این انجمن را تمجید و تحسین مینمایم. ایران و امریکا هر دو محتاج شناسائی یکدیگر میباشند و تاکنون عده ایرانیانی که با امریکا رفته و بالعکس امریکائیهایی که باین کشور آمده اند بغایت قلیل بوده و غالب هموطنان بنده فقط در ایران تاریخ سلاله هخامنشیان، سیروس، داریوش و اردشیر را شنیده در صورتیکه عده اشخاصی که پادشاهان ساسانی را استماع نموده اند بی اندازه کم است از تاریخ قرون وسطی تنها نام عمر خیام بکوش هموطنان بنده رسیده در صورتیکه از تاریخ معاصر ایران فقط خبر و اطلاعی که دارند فقط قرارداد های سیاسی است. بنا بر این وظیفه این انجمن ایران و امریکا آنست که بچنین وضعیتی خاتمه بخشیده روابط این دولت و علی و اطلاع

(۱) بواسطه فقدان لغت برای کلمه اونیورسیته که بعضی کلیه یا جامعه مینامند این بنده فرهنگستان را پیشنهاد مینمایم و در صورتیکه دانشمندان کار آگاه کلمه بهتری وضع کنند البته مورد تمجید عامه و افاع خواهد گشت

آنها را از یکدیگر توسعه دهند .

اینک بدون اظهار مطالب دیگری مطالب خود را که عبارت از « طرز زندگانی در اونیورسیتیه های امریکا » میباشد عرضه میدارم :

بدون آنکه احصائیه در دست داشته باشیم میتوانم مطمئن اظهار کنم که وطن بنده از حیث تعداد محصلین مدارس عالیو اونیورسیتیهها بدرجات عدیده بر سایر ممالک تفوق و برتری دارد. ملت امریکا از سنه ۱۷۷۶ یعنی از وقتیکه تحصیل استقلال نمود مجاهدانی بعمل آورده است که کلیه اطفال خود را اعم از ذکور و اناث از تحصیل و تربیت ابتدائی برخوردار سازد لکن حالیه از این مرحله گذشته و اهتمام میکند کلیه مردان و زنان جوان را بلااستثنا بتحصیلات متوسطه دلالت نماید و بهمین جهت مشاهده میشود که در هر نقطه و در هر شهر عمارات مدارس عالیه اتصالاً چون گل از زمین میروید . يك عده از مریبان ملت هم باین اندازه قناعت ننموده و اصرار دارند که هر مرد و زن امریکائی باید بانوار علوم و فنون که در مدارس عالیه تعلیم میشود منور و تابناک گردد . البته رسیدن بدان منزل که بسی بعد مسافت دارد بغایت دشوار و شاید هیچ ملتی بچنان فوز عظیمی مستفیض نگردد معذالک در امریکا با نهایت سرعت بر تعداد مدارس عالیه افزوده میشود .

نظر باینکه فرصت اطالهُ کلام نیست لهذا بشرح زندگانی در يك اونیورسیتیه یعنی اونیورسیتیه (ایلینوا) (۱) که بنده افتخار عضویت آنرا دزم میپردازم . (ایلینوا) یکی از ایالات چهل و هشت گانه ممالک متحده امریکا است . مساحت آن معادل يك عشر ایران - و عده نفوسش تقریباً دوثلک جمعیت این کشور است . این ایالت

دارای سه اونیورسیتیه و شاید چهل باب مدرسه متوسطه میباشد که گویا میزان تحصیلات در آنجا از میزان تعلیمات عالیه رفیع تر باشد لکن در میان آنها فقط اونیورسیتیه (ایلی نوا) واقع در دوشهر توامان اربانا (۱) و شامپانی (۲) از دولت همان ایالت مساعدت مالی دریافت میکند در این جامعه جمیع رشته های علوم و فنون باستثناء حکمت الهی تدریس میشود و بعضی از مدارس عالیه آن عبارت از مدارس عالیه در علم حقوق، فلاحت و علوم و فنون آزاد از قبیل تجارت، موسیقی و علم کتابداری بوده و علاوه بر این دارای یک موسسه نهائی برای اختتام تحقیقات عالیه علمی میباشد و در سواد اعظم شیکاگو نیز مدارس عالیه برای تحصیل طب و دوا سازی و دندان سازی دارد. عده کلیه طلاب رشته های مزبوره سالی دوازده هزار نفر و تعداد آموزگاران و معاونین آنها بالغ بر یک هزار نفر میشود. عایدی سالیانه آن اعم از مبالغی که اونیورسیتیه مستقل تحصیل میکنند یا مبلغی که دولت میدهد بوجه جهت متجاوز برشش ملیون دلار یا تقریباً پنج ملیون تومان است.

اکنون چند کلمه راجع بطرز زندگانی محصلین و استادان عرضه میدارم. عده محصلین این جامعه تقریباً نه هزار نفر و محصلات سه هزار نفرند و در منازل علیحده سکونت داشته و تقریباً هیچ زمان نیز بایکدیگر غذا تناول نمیکند اما متفقاً برای استماع دروس حاضر شده و هنگام مطالعه با یکدیگر بوده و گاه گاهی هم در مجالس اجتماعی ملاقات میکنند. یکی از محاسن این تربیت توام آنست که مرد وزن میتوانند در موضوع یک نوع مطالب علمی با یکدیگر صحبت کرده و

(۱) Urbana

(۲) Champaign

در همان مواضع مطالبی خواننده و راجع بهمان چیزها فکر و تعمق نمایند
غالب آنها نیز هنگام تحصیل ترتیب مواصت و مزاجت با یکدیگر داده
و معمولاً سر انجام اینگونه وصلت ها مقرون بسعادت میباشد .

يك نفر محصل در ظرف هفته چهار الی شش درس مختلف دارد
و بایستی پانزده مرتبه در کلاس حاضر شود . دوره تحصیل غالب علوم
چهار سالست ولی دوره تحصیل طب ، حقوق و دکتری در فلسفه
شش الی هشت سال طول میکشد . محصل سایر اوقات خود را آزاد است
که هر نوع صلاح میداند صرف کند اما در هر حال مکلف است که
سی ساعت در ظرف هفته دروس خود را مطالعه نماید . در دو سال هم
اول نیز باید قدری مشق نظامی کند اما عده قلیلی نیز دو سال دیگر
عضویت خود را در قشون مشاق صاحبمنصبان ذحیره (ق . م . ص . ن)
ادامه میدهند . غالب طلاب ذکور وانات نیز مواقع معینی بورزشخانهها
رفته و مدتی در آنجا بانواع بازیها و ورزش های بدنی صرف وقت
میکنند . ضمناً لازمست هر محصلی قبل از آنکه باخذ رتبه علوم او نیورسسته
(۱) خود نائل گردد شنا کردن را خوب بیاموزد .

اولیاء امور جامعه منازل و مساکن برای طلاب تهیه نمیکند
و بنا بر این بعضی مجامع باسم « انجمن برادری » تأسیس کرده و در
مساکنی که از طرف انجمن مزبور تهیه میشود و غالباً منازل بسیار
خوب و گرانت بلور اجتماع و اشتراك اقامت گزیده و برای خواب
و خوراك و مطالعه خویش در آن منازل توقف مینمایند . برخی دیگر
هم که تعداد آنها از عده اولی کمتر میباشد در خانه هائی که تك تك
اطاق اجاره میدهند اقامت جسته و در جلو پیوندستانها (کلوب) (۲)

(۱) مقصود تصدیقنامه ایست که او نیورسسته میدهد University degree

(۲) Club

و آسایشگاهها (رستوران) (۱) غذا صرف میکنند .
 اولیای مدرسه کاملاً مراقب محصلات جوان هستند بعضی از آنها
 در خوابگاههای (۲) مدرسه و یارۀ در « خانه‌های خواهری » و برخی
 در « شبانه روزهای » مجاز اقامت دارند .

محصلین که از حیث قوه بدنی هیچگونه منقصتی ندارند اغلب
 در ورزشهای بدنی از قبیل فوت بال ، (۳) بیس بال ، (۴) باسکت بال ،
 (۵) و غیره شرکت میکنند و لهذا دسته هائی (۶) ترتیب میدهند سایر
 طلاب هم بتماشی بازیهای رفقای خود قناعت مینمایند . در مواردیکه دسته
 های دارالفنونها بایکدیگر مبارزه میکنند عده های بسیار کثیر از اطراف
 واکناف برای تماشا ازدحام مینمایند . جامعه (ایلی نوا) میدانی (۷) برای
 مبارزه فوت بال تهیه کرده است که گنجایش ۶۲۰۰۰ هزار نفر بجهت تماشا
 دارد اما زمامداران اهتمام دارند ذوق و شوق روز افزون عامه را در
 اینگونه مبارزه ها تقلیل داده نگذارند از حد اعتدال خارج شود .

نظر بتفکیک امور روحانی از امور کشوری مسائل مذهبی در
 این مدرسه تدریس نمیشود ولی روزهای یکشنبه تعطیل و طلاب می-
 توانند بطیب خاطر در کلیساها که اطراف مدرسه بنا شده است حضور
 بهم رسانده بمراسم کیشی خود قیام نمایند .

استادان غالباً مردمان متهاملی هستند که هر کدام آنها در

- (۱) Restaurant
- (۲) Dormitory
- (۳) Foot-ball
- (۴) Base-ball
- (۵) Basket-ball
- (۶) Team
- (۷) Stadium

خانه های مخصوصی 'قامت' دارند. يك عده ديگر استادان از طبقه نسوان
ميباشند ولى برعكس مردها غالباً شوهر ندارند .

هر استادی معمولاً در هر هفته ده الی دوازده ساعت درسه الی
چهار دوره (۱) تدریس مینماید و علاوه بر تدریس تمام آنها مکلف هستند
که يك قسمت وقت خود را صرف تصنیفات علمی ، يك قسمت ديگر را صرف
مطالعه و تالیف و قسمت ديگر را صرف يك نوع خدمت عام المنفعه بنمایند .

اونیورسیته (ایللی نوا) يك کتابخانه که حاوی يك کرور جلد
کتاب میباشد برای تحقیقات علمی دارد و پیوسته بر عظمت آن افزوده
میشود . چند باب دارالتجزیه بزرگ هم دارا میباشد .

بسیاری از استادان در امور اجتماعی با دولت و ملت مساعدت و
معاذت مینمایند و اولیاء امور بلاد و تجارتخانه ها هم برای حل بعضی
معضلات بانها مراجعه میکنند . از کلیه آنها هم انتظار میرود که در
ظرف هشت سال يك سال را صرف تحصیل و مطالعه مخصوصی بنمایند
سالی یکی دوبار و بلکه بیشتر هم در مجامع استادان همکار خود حاضر
شده و در رشته های تخصصی مذاکره می نمایند

مدرسه عالیہ (ایللی نوا) مقاصد عملی مهمی دارد و بدواً به « اونیورسیته
صنعتی ایللی نوا » موسوم بوده سر مشقی که برای خود اتخاذ کرده و طلاب آنرا
باید همواره مطمح نظر قرار دهند این دو کلمه است : « دانش و کار » مقصود
از این سر مشق نیز آنست که اولیاء امور فرهنگستان از هر محصلی ترصد و توقع
دارند يك عضو فعال هیئت جامعه گردیده باقوه دانش و نیروی کار بجامعه خدمت
کند معلمین نیز طبقه و صنف عاجزده محسوب نمیشوند و بایستی در کارها شرکت
جسته و لهنذا هر سال در شرکتی که با امور جامعه مینمایند و پیش آهنگ هر نوع
تجدد واقع میشوند افزوده میکرد

انتهی